



نقض کنوانسیون حقوق کودک

## سامان، ۱۷ ساله بود

بررسی اعدام اطفال زیر ۱۸ سال بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی

حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران

نادیده گرفتن حریم خصوصی از طریق امر به معروف و نهی از منکر

جامعه و حکومت؛ ناقضان حریم خصوصی

حریم خصوصی در عکاسی؛ قوانین مختلف در فرهنگ‌های مختلف

سامان نسیم: شکنجه شدم، فیلم اعترافات تحت فشار بود

با گفت‌وگوها و یادداشت‌هایی از:

محمد مصطفایی، علی طایفی، مریم اشرافی و صالح نیکبخت

جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک، ۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه، ۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین طبق قانون جدید اگر کودکان ۱۲ تا ۱۵ سال مرتکب جرایمی شوند که حد و یا قصاص بر آنها جاری است، به وی اخطار و تذکر داده شده و تعهد کتبی برای عدم انجام جرم گرفته می‌شود و یا این‌که در جرایم درجه یک تا پنج، به سه ماه تا یک سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم می‌شود.

الف - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است. ب - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است. پ - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون.

اما در رابطه با جرایم حدی و قصاص، اعدام اطفال زیر ۱۸ سال بر طبق شرایط خاصی حذف شده است. طبق قانون جدید اصل بر عدم قصاص اطفال زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه سه شرط اصلی که به دانش و اراده و اختیار مرتکب باز می‌گردد، وجود داشته باشد. تا این قسمت نتیجه این خواهد بود که حکم اعدام تمام افرادی که در زمان ارتکاب جرم سنشان زیر ۱۸ سال بوده است، می‌بایست متوقف شود. اگر این دست از افراد مرتکب جرایم تعزیری مانند حمل و فروش مواد مخدر باشند به حبس محکوم خواهند شد و چنانچه مرتکب قتل شده باشند، پرونده آنها مجدداً مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. دیوان عالی کشور نیز در نظریه هیات عمومی خود اخیراً اعلام کرده است که کودکان زیر ۱۸ سال می‌توانند درخواست اعاده دادرسی دهند. اما از آنجایی که بسیاری از محکومین به اعدام به حقوق خود آشنا نیستند، می‌بایست به آنها این موضوع تفهیم و آموزش داده شود تا در معرض اعدام قرار نگیرند. از طرفی اگر برای کودکان دادرسی منصفانه و عادلانه‌ای در نظر گرفته شود، بر اساس قانون جدید هیچ کودکی محکوم به اعدام نخواهد شد. در اکثر کشورهای جهان مجازات اعدام رو به حذف است و اکثر کشورها مجازات اعدام را برای کودکان حذف کرده‌اند؛ اما ایران همچنان مجازات اعدام برای کودکان را به صورت کامل حذف نکرده است. با این حال شرایطی وجود دارد که می‌توان افراد زیر ۱۸ سال را از مرگ نجات داد. تبصره ۲ ماده ۸۸ مقرر می‌دارد: هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.

ت - اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم، ث - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره - هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی، ۳- اقدام لازم

۲- حرمت جرم را درک نکنند، یعنی ندانند عملی که انجام داده‌اند عملی حرام بوده و از نظر شرعی نمی‌توان دیگری را به قتل رساند یا مرتکب جرم شد. ۳- در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد یعنی قاضی شک کند به این‌که متهم عقلش در زمان ارتکاب جرم رشد یافته است. دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند. نکته بسیار مهم ملاک سن افراد در زمان ارتکاب جرم است. اگر فردی در زمان ارتکاب جرم سنش زیر ۱۸ سال بود مشمول این قانون شده و نباید اعدام شود. این‌طور نیست که صبر کنیم تا فردی سنش بالای ۱۸ سال شود و بعد اعدامش کنیم. رییس قوه قضاییه در اشتباهی فاحش اعلام کرده است که اعدام اطفال زیر ۱۸ سال نداریم و منظور ایشان این بود که می‌گذارند فردی سنش بالای ۱۸ سال شود و بعد اعدام کنند که از نظر قانونی و شرعی صحیح نیست. ایشان در مصاحبه‌ای که اخیراً داشته‌اند، گفته‌اند: «اعدام کودکان زیر ۱۸ سال دروغ محض است؛ اما ما دلیلی نداریم وقتی شخص هفده و نیم ساله جنایتی مرتکب می‌شود و اکنون به ۲۵ سالگی رسیده است، حق اولیای دم برای قصاص را نادیده بگیریم». در حالی که اگر فردی در زمان ارتکاب جرم ۱۷ سال و نیم داشت او را نمی‌توانیم به هیچ عنوان به اعدام محکوم کنیم و بعد از ۱۸ سالگی اعدامش کنیم. وکلای دادگستری با مواد قانونی که در قانون جدید در اختیار دارند به راحتی می‌توانند از کودکان زیر ۱۸ سال دفاع کنند، چرا که تجربه و گفتگوی با پنجاه کودک زیر ۱۸ سال در زندان به نگارنده اثبات نموده است که هیچ کدام از آنها در زمان ارتکاب جرم به رشد عقلی نرسیده بودند و نمی‌دانستند عملی که انجام می‌دهند مجازاتش اعدام است یا مجازات خواهند شد. ■

## بررسی اعدام اطفال زیر ۱۸ سال بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی



محمد مصطفایی - وکیل دادگستری

قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تغییرات قابل توجهی در حقوق کودکان صورت داده است، به گونه‌ای که مجازات اعدام در جرایم تعزیری برای این دست از افراد سنی به صورت کامل حذف شده است. به عنوان مثال به هیچ عنوان نمی‌توان اطفال زیر ۱۸ سال را به مجازات اعدام محکوم نمود. ماده ۸۹ این قانون مقرر می‌دارد: «در باره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

الف - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است. ب - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است. پ - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون.

اما در رابطه با جرایم حدی و قصاص، اعدام اطفال زیر ۱۸ سال بر طبق شرایط خاصی حذف شده است. طبق قانون جدید اصل بر عدم قصاص اطفال زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه سه شرط اصلی که به دانش و اراده و اختیار مرتکب باز می‌گردد، وجود داشته باشد. تا این قسمت نتیجه این خواهد بود که حکم اعدام تمام افرادی که در زمان ارتکاب جرم سنشان زیر ۱۸ سال بوده است، می‌بایست متوقف شود. اگر این دست از افراد مرتکب جرایم تعزیری مانند حمل و فروش مواد مخدر باشند به حبس محکوم خواهند شد و چنانچه مرتکب قتل شده باشند، پرونده آنها مجدداً مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. دیوان عالی کشور نیز در نظریه هیات عمومی خود اخیراً اعلام کرده است که کودکان زیر ۱۸ سال می‌توانند درخواست اعاده دادرسی دهند. اما از آنجایی که بسیاری از محکومین به اعدام به حقوق خود آشنا نیستند، می‌بایست به آنها این موضوع تفهیم و آموزش داده شود تا در معرض اعدام قرار نگیرند. از طرفی اگر برای کودکان دادرسی منصفانه و عادلانه‌ای در نظر گرفته شود، بر اساس قانون جدید هیچ کودکی محکوم به اعدام نخواهد شد. در اکثر کشورهای جهان مجازات اعدام رو به حذف است و اکثر کشورها مجازات اعدام را برای کودکان حذف کرده‌اند؛ اما ایران همچنان مجازات اعدام برای کودکان را به صورت کامل حذف نکرده است. با این حال شرایطی وجود دارد که می‌توان افراد زیر ۱۸ سال را از مرگ نجات داد. تبصره ۲ ماده ۸۸ مقرر می‌دارد: هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرایم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.

ت - اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم، ث - نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرایم تعزیری درجه یک تا پنج الف - تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تادیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره - هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان، ۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی، ۳- اقدام لازم



## سامان نسیم، زندانی کرد در آستانه اعدام

روز چهارشنبه هفته گذشته سامان نسیم به همراه چند تن دیگر از زندانیان محکوم به اعدام از بند عمومی زندان ارومیه به محلی نامعلوم برای اجرای حکم اعدام منتقل شد. عدم اطلاع رسانی و پاسخ گویی حکومت، اتهامات در مورد سرنوشت و وضعیت سامان نسیم و دیگر زندانیان را افزایش داد.

بسیاری از منابع از اجرای حکم سامان نسیم و دیگر زندانیان خبر دادند. اما وضعیت دشوار دیده‌بانی و گزارش‌گری توسط گزارش‌گران حقوق بشر و همین‌طور عدم شفافیت دستگاه‌های قضایی و زندان، منجر به افزایش ابهام در مورد این زندانیان شد. گزارش در مورد سامان نسیم به روزهای قبل از این اتفاقات باز می‌گردد و شامل سرنوشت قطعی وضعیت این زندانی نمی‌شود.

### زندانیان محکوم به اعدام/ ۵

در گزارش اخیر دیده‌بان حقوق بشر در مورد سامان نسیم آمده است: «دیوان عالی کشور در تابستان ۲۰۱۲ حکم اعدام سامان نسیم را که در یک دادگاه بدوی صادر شده بود، با این تذکر که سن وی در زمان دستگیری زیر ۱۸ سال بوده، لغو کرد؛ ولی این حکم در نهایت تایید شد». سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری می‌گویند که ایران یکی از چهار کشوری است که به اعدام مجرمین کودک در طول ۵ سال گذشته شهرت دارد. دیگر کشورها عبارتند از یمن، عربستان سعودی و سودان. در گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر آمده است: «بر اساس گزارش‌های رسمی رسانه‌های ایران از سال ۲۰۱۰ تاکنون حداقل ۸ نفر که هنگام بازداشت زیر ۱۸ سال داشتند، اعدام شده‌اند؛ اما عفو بین‌الملل و سایر گروه‌های حقوق بشر، آمار اعدامی‌های این گروه را تا ۳۱ نفر می‌دانند». تعیین مجازات مرگ برای کسانی که به هنگام ارتکاب جرم زیر سن قانونی بوده‌اند، ناقض قوانین بین‌المللی حقوق بشر است. ایران بسیاری از این قوانین را امضا کرده و متعهد به رعایت آنها شده، اما در سال‌های اخیر بارها با نقض مفاد مصوبات بین‌المللی مواجه شده‌ایم. به گفته‌ی سازمان عفو بین‌الملل، نسیم در نامه‌ای که به رویت این سازمان نیز رسیده مدعی شده که او را در سلولی دو در نیم متری نگه داشتند و بارها کتک زده و از دست‌ها و پاهایش آویزان کرده‌اند تا این که به زور و با چشمان بسته و آوار شده که اثر انگشت‌اش را به عنوان امضا در زیر اسناد اعتراف به اتهام‌هایش بگذارد. این زندانی محکوم به اعدام ضمن «صوری» خواندن دادگاه خود نوشته است که او و وکلایش در دادگاه امکان دفاع نداشته‌اند و قاضی پرونده او را تهدید به «ضرب و شتم» کرده است. این زندانی کرد طی زمان بازداشت هیچ تماس تلفنی با خانواده خود نداشته و گفته که در سلول او یک دوربین تمام حرکات و «حتی زمان توالت رفتن» را ضبط می‌کرده است. این در حالی است که تاریخ اعلام شده به وکیل و خانواده‌ی او برای اجرای حکم اعدام، روز پنجشنبه ۳۰ بهمن ماه اعلام شده بود. دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل با انتشار ویدیویی خواستار توقف اجرای حکم اعدام برای این زندانی کرد شد و از رهبر جمهوری اسلامی ایران خواست تا با توجه به این که جان این زندانی در دست اوست؛ مانع از اعدامش شود. کشورهای مختلفی از جمله نروژ و آلمان با درخواست مستقیم از دولت ایران؛ خواستار توقف حکم اعدام او شدند. سازمان ملل نیز بار دیگر روز چهارشنبه ۲۹ بهمن از دولت جمهوری اسلامی ایران خواست که فوراً اعدام سامان نسیم «محکوم نوجوان» را متوقف کند. احمد شهید و کریستوف هینز، گزارش‌گران سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران و اعدام‌های افرآضایی نیز خواستار توقف فوری حکم اعدام برای سامان نسیم شدند. سامان نسیم روز ۲۹ بهمن به مکان دیگری منتقل شده که وکیل و خانواده‌ی او از آن بی‌خبر هستند؛ اما با پیگیری‌های خانواده و وکیل، به آن‌ها اعلام شده است که حکم اعدام برای او در روز پنجشنبه اجرا نشده است. ■

خبرهای منتشر شده حاکی از آن دارد که سامان نسیم زندانی کرد ایرانی طی روزهای آینده اعدام می‌شود. نسیم در ۱۷ سالگی به اتهام محاربه دستگیر شده بود. این در حالی است که به گفته‌ی وکیل این زندانی سیاسی، اعترافات‌ی که از او گرفته شده تحت شکنجه بوده و حکم اعدام او به اتهام محاربه از طریق عضویت در گروه‌های مخالف نظام در شعبه ۱ دادگاه انقلاب مهاباد بر اساس همان اعتراف‌ها صادر شده است. سامان نسیم شهروند اهل مریوان است که در سال ۱۳۹۰ در مناطق مرزی استان آذربایجان غربی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و هم‌اکنون در زندان ارومیه در انتظار اجرای حکم اعدام به سر می‌برد. یکی از اعضای خانواده‌ی سامان نسیم به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفت که مسوولان زندان مرکزی ارومیه به او اعلام کرده‌اند حکم اعدام‌اش در روز ۳۰ بهمن ماه اجرا خواهد شد. هم‌چنین خانواده این زندانی از طریق وکیل او از اجرای حکم در این روز مطلع شده‌اند. در پی جدی شدن مسأله اعدام این زندانی که در زمان بازداشت تنها ۱۷ سال داشته است، سازمان عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر با صدور بیانیه‌هایی خواهان توقف هرچه سریع‌تر اعدام او شده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل بر اساس اسناد دادگاه می‌گوید که سامان نسیم در بازجویی‌های خود اعتراف کرده که در جریان درگیری با نیروهای سپاه در تابستان ۹۰ به سمت آن‌ها شلیک کرده، اما وی در نخستین جلسه‌ی دادگاه این اعتراف را انکار کرده و گفته که او را با زور مجبور به امضای این اعتراف‌نامه کرده بودند. سامان نسیم متهم به عضویت در گروه «پژاک» (حیات آزاد کردستان) و فعالیت مسلحانه علیه سپاه پاسداران است. ظاهراً این زندانی سیاسی در تیر ماه سال ۱۳۹۰ به همراه چندین عضو دیگر پژاک در کوه‌های اطراف سردشت با نیروهای سپاه درگیر شدند و پس از آن بازداشت شد. چندی پس از دستگیری سامان نسیم، اعلام شد که در درگیری رخ داده، یک عضو سپاه پاسداران کشته و سه تن دیگر مجروح شدند. عزیز مژده، وکیل سامان نسیم به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفته است که کارشناسان پزشکی قانونی مسجل ساختند که سامان مسوول قتل نبوده است. سامان نسیم به همراه ۲۹ زندانی سیاسی دیگر از روز پنجشنبه ۲۹ آبان ماه در اعتراض به عدم اجرای اصل تفکیک جرایم زندانیان در این زندان ارومیه دست به اعتصاب غذا زد که این اعتصاب ۳۳ روز به طول انجامید. مسوولان زندان در آن مدت و بعد از آن بارها زندانیان را به تبعید و اجرای حکم‌های اعدام‌شان تهدید کرده‌اند. سازمان عفو بین‌الملل در زمان اعتصاب غذای این زندانیان طی گزارشی در مورد سامان نسیم عنوان کرده بود: «اکنون مقام‌های ایران عملاً با تهدید مرگ در حال باج گرفتن از او هستند. اعدام سامان نسیم نقض فاحش قوانین بین‌المللی خواهد بود. حکم او باید فوراً تخفیف داده شود.»





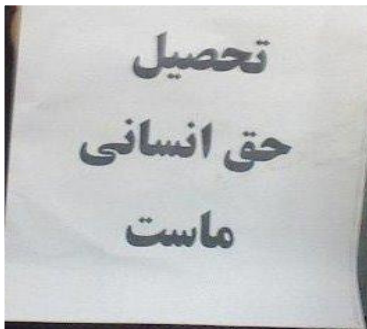
**سازمان گزارش گران بدون مرز رده بندی جهانی آزادی رسانه ها در سال ۲۰۱۵ را منتشر کرد.** این رده بندی منبعی برای شناخت بیشتر وضعیت آزادی رسانه ها در جهان است و به این عنوان مورد استناد بسیاری از نهادهای جهانی از جمله

سازمان ملل، بانک جهانی و بسیاری از نهادهای ملی در کشورهای مختلف است. رده بندی آزادی رسانه ها در جهان که کشورها را بر اساس وضعیت آزادی مطبوعات و ساختارهای تضمین کننده حق بنیادین دانستن، بررسی می کند، هر سال با همکاری صدها تن از روزنامه نگاران و کارشناسان رسانه ها، وکلا و مدافعان حقوق بشر تهیه می شود. در این رده بندی و از میان ۱۸۰ کشور، ایران در رتبه ۱۷۶ قرار دارد. رتبه ایران در رده بندی جهانی آزادی رسانه ها از سال ۲۰۰۳ در حال سقوط است. انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری در خرداد ماه ۱۳۹۲ نیز تأثیر چندانی مثبتی بر وضعیت آزادی اطلاع رسانی نداشته است. رسانه ها همچنان توقیف می شوند، موج بازداشت روزنامه نگاران و وب نگاران در دو سال اخیر، مشابه بازداشت های فردای انتخاب پر مناقشه سال ۸۸ است. بسیاری از بازداشت شدگان این اعتراض ها، هنوز در زندان به سر می برند. ایران همچنان با ۵۰ فعال رسانه ای زندانی، یکی از پنج زندان جهان برای روزنامه نگاران است.



**محمد رضا رحیمی** برای تحمل ۵ سال حبس خود به زندان اوین منتقل شد. ماموران پلیس با حضور در خانه معاون اول محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور پیشین، او را برای اجرای حکم فرا خواندند. پایگاه اطلاع

رسانی دادسرای عمومی و انقلاب تهران با گزارش این خبر نوشت: «با توجه به قطعیت محکومیت محمد رضا رحیمی معاون اول رئیس جمهور سابق دایر بر تحمل ۵ سال حبس، سرپرست اجرای احکام دادسرای کارکنان دولت دستور اجرای حکم حبس را از طریق نیروی انتظامی صادر نمود. بر این اساس ماموران پلیس در تاریخ ۲۶ بهمن ۹۳ با حضور در محل سکونت محکوم علیه، وی را فرا خوانده و پس از تفهیم موضوع اجرای حکم، نامبرده جهت تحمل حبس به زندان اوین معرفی شد». شعبه ۱۱ دیوان عالی کشور، رحیمی را در اول بهمن ماه سال جاری به پنج سال و ۹۱ روز حبس، دو میلیارد و ۸۵۰ میلیون تومان رد مال و یک میلیارد تومان جزای نقدی محکوم کرده بود. رحیمی پس از قطعی شدن حکمش در نامه ای خطاب به احمدی نژاد نوشت که «چوب لجاجتی ها و آپروریزی های گاه و بی گاه» او را خورده است.



**شعبه یک دیوان عدالت اداری درخواست عده ای از جوانان بهایی** برای بررسی مدارک آنها جهت ادامه تحصیل در دانشگاه های دولتی ایران را رد کرد. به گزارش جرس، پس از اعلام نتایج کنکور سال جاری دانشگاه های دولتی ایران، تعدادی از جوانان بهایی که

حایز رتبه های خوبی بودند و می توانستند در بهترین دانشگاه های دولتی ایران پذیرفته شوند، به دلیل نقص در پرونده پذیرش نشدند. این افراد پس از آن به دیوان عدالت اداری شکایت کردند که سرانجام پس از تلاش های فراوان درخواست آنها ثبت و قرار شد تا در شعبه یک دیوان عدالت اداری مورد رسیدگی قرار گیرد. این شعبه که توسط رییس دیوان عدالت اداری کشور اداره می شود به استناد شرایط عمومی گزینش و آموزش، درخواست این جوانان را رد کرد و گفته است که این استناد نیز به خاطر مصوبه شورای انقلاب فرهنگی کشور است که در سال ۶۸ منتشر شده و در آن از ادامه تحصیل بهاییان در دانشگاه های دولتی ایران جلوگیری شده است. هر چند دیوان عدالت اداری هیچ سند مکتوبی در این باره به این جوانان و وکلای آنها ارائه نکرده و در اسناد اداری نیز هیچ استنادی مبنی بر بهایی بودن این افراد وجود ندارد، اما شعبه یک دیوان عدالت اداری، حکم خود را به شرایط عمومی گزینش و آموزش استناد کرده است.



**جعفر پناهی**، کارگردان ایرانی که به مدت ۲۰ سال از فیلم سازی محروم شده؛ به خاطر فیلم «تاکسی» برنده خرس طلای جشنواره فیلم برلین شد. پناهی به علت ممنوع الخروج بودن نتوانست در این جشنواره شرکت کند. هانا سعیدی، دختر خردسالی که از بستگان آقای پناهی است و در فیلم تاکسی نیز ایفای نقش کرده، این جایزه را از طرف او دریافت کرد. سعیدی که در هنگام دریافت جایزه به گریه افتاده بود،

گفت: «نمی توانم چیزی بگویم، خیلی تحت تاثیر قرار گرفته ام». به گزارش بی بی سی، دارن آرنوفسکی رییس هیات داوران جشنواره برلیناله گفت: «محدودیت ها بسیاری اوقات الهام بخش کارهای بهتری برای هنرمندان می شوند؛ اما بعضی اوقات هم خفه کننده می شوند و به کار هنری و روح هنرمند آسیب می زنند. جعفر پناهی به جای اینکه در هم بشکند و تسلیم شود، به جای اینکه بگذارد خشم و نومییدی او را در بر بگیرد، نامه ای عاشقانه به سینما ساخته است. فیلم او پر از عشقش به هنر، به جامعه و کشورش و عشق به مخاطبانش است». جعفر پناهی پیش از این نیز در سال ۲۰۰۶ با فیلم آفساید به خرس نقره ای رسیده بود. آقای پناهی به دنبال بازداشت در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ از ایران ممنوع الخروج شده و نتوانسته در رویدادهای هنری بین المللی شرکت کند. او حدود یک سال بعد از آن به ۶ سال حبس و ۲۰ سال محرومیت از برخی حقوق اجتماعی محکوم شد.



**آیت الله یزدی** عضو مجلس خبرگان، تکخوانی زن را حرام دانست و گفت که اصولاً ترویج موسیقی حرام است. وی خطاب به وزیر ارشاد گفت: «بنده بالاخص به وزیر ارشاد تذکر می دهم که آقای وزیر ارشاد! به معاونت موسیقی تان تذکر بدهید که موسیقی در اسلام حرام است. شما نمی توانید موارد شبهه را تشخیص بدهید. تمسک به موارد شبهه موجب می شود آهسته آهسته مرزها را زیر پا بگذارید و به عنوان مشتبه در حرام بیافتید».

اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده‌ی سوم:

**هر فردی حق حیات، آزادی  
و برخورداری از امنیت شخصی را دارد**



## گفت‌وگو با محمد صالح نیکبخت

### حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی ایران، «حریم خصوصی» مشخصاً مورد حمایت قرار نگرفته است. هر چند بخشی از اصول قانون اساسی، و هم‌چنین سایر قوانین عادی، با حمایت‌هایی ضمنی از «حقوق و آزادی‌های فردی» به منزله «حریم خصوصی» به تصویب رسیده‌اند. محمد صالح نیکبخت، حقوق‌دان و وکیل، با وجود تأکید بر «کامل» نبودن قانون اساسی ایران، فصل سوم این قانون با عنوان «حقوق ملت» را، در موارد زیادی «بدون هیچ‌گونه تبعیض یا تخصیص و یا حد و مرز و تفاوتی» در زمینه حمایت از حریم خصوصی می‌داند. به عقیده نیکبخت، مشخص نشدن مرزها و محدودیت‌های لازم در اصول قانون اساسی، موکول کردن اجرای این اصول به قوانین عادی و عدم رعایت روح قانون اساسی در آن‌ها، «راه سواستفاده یا عدم اجرای قوانین را برای قضات یا ظابطين قضایی باز گذاشته است.»



زهرا علی‌پور



آقای نیکبخت، به نظر شما قانون اساسی ایران تا چه حد بر رعایت حریم خصوصی شهروندان تأکید دارد؟ آیا با قانون اساسی فعلی، می‌توان به حفظ حریم خصوصی شهروندان امیدوار بود؟

قانون اساسی ایران که ۳۵ سال پیش تصویب شد - با توجه به شرایط انقلابی زمان تدوین - بسیاری از آزادی‌های مشروع مردم ایران و همچنین مسائلی که مربوط به حریم خصوصی و حقوق عمومی مردم می‌شود را پذیرفته است. گر چه برخی از اصول آن در عمل ممکن است اجرا نشود؛ اما این بدان معنا نیست که این قانون به همین شکل، یک قانون کاملاً مطلوب و متناسب با زمان و بدون نقص است و همه حقوق مردم در آن پذیرفته شده است. غیر از قانون اساسی، قوانین دیگری که در ایران به تبعیت یا بر اساس این قانون به تصویب رسیده، موارد زیادی از مسائلی مربوط به حریم خصوصی، حقوق عمومی مردم، آزادی‌های مشروع یا آنچه که در قانون اساسی ایران در فصل سوم با عنوان «حقوق ملت» نام برده شده را مورد لحاظ قرار داده است. به عبارت دیگر قانون اساسی و به شکل کلی قوانین ایران، قابلیت رعایت بعضی از حقوق و آزادی‌های مردم و به تبع آن حریم خصوصی را دارد.

یعنی می‌توان با قانون اساسی فعلی هم به شکل کامل حقوق شهروندان را تأمین کرد؟

همان‌طور که گفتم قانون اساسی ایران یک قانون کامل نیست؛ ولی به شکلی هم نیست که هیچ ظرفیتی را برای رعایت حقوق مردم یا حریم خصوصی شهروندان در نظر نگرفته باشد. به عنوان مثال در فصل سوم این قانون، حقوق مردم در موارد زیادی بدون هیچ‌گونه تبعیض یا «تخصیص» و یا حد و مرز و تفاوتی، پذیرفته شده است. اصل نوزدهم این قانون می‌گوید: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از

شوند. علاوه بر این، هم اکنون در ایران دو چالش دیگر هم داریم: یکی اینکه زنان عملاً نمی‌توانند متصدی بسیاری از مشاغل شوند و دیگری این که حدود ده میلیون نفر از مردم ایران در مناطق حاشیه‌ای کشور - به عنوان دروازه ورود بیشترین آسیب به امنیت ملی - پیروان اهل سنت هستند. این افراد نمی‌توانند وارد بسیاری از مشاغل شوند، به طوری که در ۳۶ سال گذشته هیچ یک از مقامات مدیریت قضایی کشور و حتی مقاماتی در سطح روسای کل دادگستری استان‌ها، پیرو مذهب تسنن نبوده‌اند. اهل تسنن در مقامات عالی نظامی مثل ارتش، سپاه و نیروی انتظامی هم نمی‌توانند وارد شوند. در مجلس نیز هیچ‌یک از نمایندگان اهل تسنن حتی در یک دوره هم عضو هیئت رئیسه مجلس نبوده‌اند. به جز دوره ریاست جمهوری حسن روحانی که یک معاون وزیر (نفت) سنی مذهب انتخاب شده، هیچ وزیر یا معاون وی از اهل سنت نبوده است. کردها، بلوچ‌ها،

حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود. این اصل در واقع تساوی همه مردم را در برابر قانون مورد توجه قرار داده است. با این حال چون در این اصل به مذهب افراد اشاره نشده است، اصل بیستم قانون می‌گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند عملاً». این اصل، با قید «رعایت موازین اسلام» اصل ۱۹ را محدود کرده و به اصطلاح حقوقی آن را تخصیص زده است؛ زیرا در بسیاری از موارد، شهروندان ایرانی پیروان ادیان دیگر و پذیرفته شده در همین قانون اساسی مثل زرتشتی، مسیحی و کلیمی، از حقوق مساوی با مسلمانان برخوردار نیستند، چون پیروان این ادیان نمی‌توانند در بسیاری از مقامات و مشاغل مشغول به کار



گرفته و در مواردی مورد تعرض و سو استفاده جنسی نیز قرار گرفته‌اند. در مواردی که این قبیل اتفاقات کشف شده و افرادی که مورد تعرض قرار گرفتند شکایت کرده‌اند، هیچ‌گونه منع قانونی برای تعقیب متخلفین وجود نداشته است. یعنی در این موارد از نظر قانونی هیچ مشکلی نداریم؛ ولی مشکل فرهنگی و اعتقادی وجود دارد. تمام قوانین ما و به ویژه قوانین کیفری، در مواردی که تعرض به جان افراد شده در هر سن و جنسیتی مورد پیگرد قرار گرفته و اشکال اساسی در مورد نادیده گرفتن حقوق دموکراتیک افراد است که در قانون اساسی قبول شده ولی با تفسیرهایی که از آن می‌شود، تبعیض‌هایی اعمال می‌گردد. در واقع نص قانونی برای این تبعیض‌ها وجود ندارد.

• این تفسیرها از متن قانون گرفته شده؟ برای مثال در اصل ۲۵ قانون اساسی آمده که «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است»، اما عبارت «مگر به حکم قانون» در همین اصل، راه تفسیر به رای و نظر را باز می‌کند. به ویژه اینکه این «تفسیر به رای و نظر» را به مسایل اعتقادی و امنیتی هم گره می‌زنند.

این اصل در حال حاضر یکی از موارد پر مناقشه است. از لحاظ اقداماتی که بر خلاف نص قانون صورت بگیرد - همان‌طور که در این اصل آمده - «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای پیام‌های مخابراتی، تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون»؛ ولی متأسفانه این اقدامات انجام می‌گیرد و علی‌رغم این‌که بارها مورد اعتراض قرار گرفته، به آن توجهی نشده و برخوردی که قاطع و رافع باشد تاکنون صورت نگرفته است. در واقع فقط در مواردی که مساله امنیت ملی در میان باشد، این حق آن هم با تشخیص قاضی و نه به درخواست ضابطین می‌تواند اعمال شود. مثلاً اگر فرد تحت تعقیب باشد، فقط باید به دستور مقام‌های قضایی و دادگاه، مکالمات فرد شنود شود. این یکی از موارد چالش‌برانگیزی است که در کشور وجود دارد و حتی در مورد برخی از نمایندگان مجلس هم این کار صورت می‌گیرد. چنانکه اخیراً در دفتر یکی از نمایندگان مجلس (علی مطهری) شنود گذاشته شده بود.

• در همین بحثی که شما گفتید، درباره مفهومی مثل امنیت ملی هم اجماع وجود ندارد؟ چه کسی مرجع تفسیر مواردی است که امنیت ملی را به خطر می‌اندازد؟ امنیت ملی مفهومی کلی، گسترده و هم چنین دارای شاخه‌ها یا موضوعات مختلف است. در گذشته مساله امنیت ملی عمدتاً به امنیت نظامی و حفظ مرزها و جلوگیری از تجاوز بیگانه گفته می‌شد و عدم رعایت آن در حقیقت در بسیاری موارد به موضوعاتی برمی‌گشت که توسط نظامیان صورت می‌گرفت و مرجع رسیدگی به آن هم دادگاه‌های نظامی بود. یکی از مواردی که در قانون کشورهای مختلف از جمله کشور ما آمده، افشای اسرار مملکتی است. اسرار مملکتی، آن‌هایی هستند که محرمانه، یا به کلی محرمانه و یا سزای دارای طبقه‌بندی باشد. فقط در این گونه موارد است که اگر افرادی خلاف عمل کنند، تحت تعقیب قرار می‌گیرند و می‌توان تلفن آن‌ها را شنود کرد یا نامه‌های آن‌ها را باز کرد و این کار هم باید با دستور مقام‌های قضایی باشد. نقض حریم خصوصی یعنی بدون دستور مقام قضایی و صرفاً با دستور مقامات اداری وارد خانه‌های شدن و آن را تفتیش کردن، منع افراد از داشتن شغل مشخص و محروم کردن افراد از اقامت در جایی، در پرونده دادستان سابق تهران که می‌بایستی حافظ و نگه دارنده حریم خصوصی باشد، وی و



### صالح نیکبخت:

در قانون فعلی هر چند اشاره‌هایی به شکل بازرسی از منزل و رعایت مدت زمان بازداشت‌ها شده؛ اما چون محدودیت زمانی تعیین شده با تمسک به عدم تکمیل تحقیقات، رعایت نمی‌شود، در عمل این قانون نقض می‌شود و علت آن اختیاری است که قانون‌گذار به قضات و ضابطین داده است. در واقع این امر به مجازاتی تبدیل شده که از جانب قضات تحقیق و ضابطین علیه متهمان اعمال می‌شود؛ مانند قرار بازداشت، ممانعت از حضور و کیل در تحقیقات و نگهداری فرد در زندان به صورت انفرادی که در آن به ظواهر قانونی متوسل می‌شوند و آن را اعمال می‌کنند.

ترکمن‌ها، طالبی‌ها و ... که عمدتاً از اهل سنت هستند و سنی‌های دیگر اقوام و بعضی از اقلیت‌های ملی یا قومی نمی‌توانند در وزارت خارجه، وزارت اطلاعات و در سطح سیاسی و مسوولیت‌های منطقه‌ای وارد شوند. اهل سنت و اقلیت‌های قومی که جمعیت کثیری از مردم ایران را تشکیل می‌دهند، نمی‌توانند در مشاغل فوق و امور دیگر مشغول به کار شوند. در این جاست که قانون وارد حوزه حریم خصوصی و اعتقادات و منشا قومی افراد شده و در تفسیر اصل بیستم، حق تصدی بسیاری از مقامات دولتی و نظامی از پیروان ادیان آسمانی - که در قانون اساسی تأیید شده‌اند - و اهل تسنن، گرفته شده، بدون اینکه این حق در قانون رسماً از آنها سلب شده باشد. در میان تقریباً ده میلیون نفر از پیروان ادیان و مذاهب مختلف در ایران تا کنون هیچ‌کس چنان آموزش نیافته که بتواند صلاحیت احراز این مقامات را داشته باشد که این امر خود، نقض عمومی در آموزش و فرهنگ کشور ماست که با این امکانات نتوانسته سطح فرهنگ و آموزش را در میان پیروان آن ادیان و مذاهب بالا ببرد تا آن‌ها هم بتوانند در این مشاغل پذیرفته شوند. این یک تبعیض است و عدم احراز آن مشاغل ناشی از اعتقادات دینی این افراد است که این نقض حقوق افراد و حریم خصوصی موضوع بحث ماست. اگر چه قانون اساسی ایران جز در مورد شغل ریاست‌جمهوری که تأکید کرده باید شیعه اثنی‌عشری باشد، در سایر موارد هیچ منعی برای پذیرفتن افراد در سمت‌های دیگر ایجاد نکرده، با این حال در عمل این ممنوعیت در مورد تصدی سایر مقامات و مشاغل دیگر، اعمال شده است. اگر پذیرشی هم در کار بوده در اجرا با ایجاد محدودیت همراه شده است. مثلاً به شخصی گفته‌اند که تنها در استان‌های سنی نشین می‌توانی فلان شغل را داشته باشی و عملاً آنان را از تصدی برخی از مشاغل محروم کرده‌اند.

• درباره قوانین دیگر چطور؟ هر قانونی باید از قانون اساسی نشأت گرفته باشد. آیا در بقیه قوانین هم چنین مسایلی وجود دارد؟ آن‌ها چقدر با قانون اساسی و فصل حقوق ملت منطبق هستند؟ اصل ۲۲ قانون اساسی که می‌گوید: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند»، از اصول بنیانی قانون اساسی کشور است و نقض حمایتی دارد؛ اما این اصل به قید قانون محدود شده است. دو مثال می‌زنم. در آیین دادرسی کیفری در موارد متعددی صدور قرار بازداشت موقت پیش‌بینی شده و برای آن محدودیت زمان در نظر گرفته شده است. من کسانی را می‌شناسم که بیش از دو سال به اتهام مالی در زندان بودند و یا کسانی را دیده‌ام که در مسایل مختلف مربوط به پرونده‌های سیاسی، بدون رعایت قانون در بازداشت موقت بوده‌اند. در واقع با وجود اصل ۲۲ قانون اساسی، جان این افراد از تعرض مصون نمانده است یا در مورد شغل اشخاص، که آن هم از تعرض مصون نمانده است. برخی از اشخاص مصونیت شغلی ندارند و به دلیل اعتقادات مذهبی یا دینی از پذیرش آن‌ها در مشاغل خودداری شده یا اگر در چنین مشاغلی پذیرفته شده‌اند پس از شناسایی اجازه ارتقا به مقام بالاتر پیدا نکرده‌اند.

• این اشکال‌ها به بحث نقض قانون مربوط می‌شود یا اجرای بد قانون خوب؟

بخشی از موارد نقض حریم خصوصی مثلاً تعرض به جان افراد، ناشی از یک دیدگاه اجتماعی و فرهنگی است. مثلاً هنوز در ایران مانند بسیاری از کشورها - حتی کشورهای دموکرات - حریم خصوصی افراد به ویژه زنان مورد تعرض قرار می‌گیرد. در کشور ما زنان حتی در خانه خویش هنوز مصونیت ندارند یا ممکن است در جامعه رفتارهای ناشایستی با خانم‌ها صورت بگیرد. در بعضی از مدارس ما رفتارهای زشتی با دانش‌آموزان صورت

بازداشت‌شدگان می‌شود و در عمل نمی‌تواند قانون عامی باشد. قانون یک حکم کلی دارد و در مورد همه افراد باید اجرا شود، نه این که فقط درباره زندانی و روابط او با زندانبان باشد. به این جهت باید تاکید کنیم که در کشور ما یک نیاز اساسی وجود دارد و آن هم این است که در ایران باید مانند سایر کشورهای دنیا، نظام‌های قانونی مشخص در موارد متعدد وجود داشته باشد. به عنوان مثال ما به یک نظام کیفری جامع نیاز داریم، همچنان که باید یک نظام پولی خاص و قانونی وجود داشته باشد که اگر فردی را دستگیر و محکوم کردند هم در دستگیری و هم در مورد نحوه نگهداری و تحقیقات و محاکمه حقوق او رعایت شود و اگر این فرد را محکوم به تبعید و گذراندن حبس در محلی کنند، تبعید او مشکلاتی برای خانواده ایجاد نکند. فرد زندانی اگر جرمی مرتکب شود، باید مجازات شود؛ اما این مجازات نباید نافی حقوق افراد خانواده‌اش باشد و مثلاً برای آن‌ها مشکلات رفت و آمد یا مسایل مالی ایجاد نکند و حق دسترسی به وکیل حق سکوت متهم و سایر حقوق او در دوره زندان و یا تبعیدش رعایت شود. در واقع کیفر متهم نباید به نحوی باشد که به خانواده هم تحمیل می‌شود. ما یک نظام کیفری متمرکز که بتواند پاسخگوی نیازها و مشکلات جامعه باشد، نداریم و مسایل حقوق افراد زمانی مراعات می‌شود که همه اقدامات ضابطین، دادسرا و دادگاه بر اساس قانون باشد. رعایت حریم خصوصی هم زمانی معنی پیدا می‌کند که آزادی‌های فرد نقض نشود و آزادی‌ها زمانی مورد حمایت قرار می‌گیرد که قانون‌گذار، با تصویب قوانین رعایت حقوق و آزادی‌ها را تضمین کرده باشد. در ایران گاهی قانون را این‌گونه تفسیر می‌کنند که چون در قانون فلان موضوع وجود ندارد، شما حق انجام این موضوع را ندارید؛ در حالی که قانون بر اساس شریعت است و ما در شریعت اصل اباحه را داریم که می‌گوید هر چیزی که منع قانونی ندارد، ممنوع نیست.

**• مساله دیگری هم وجود دارد که گاهی حقوق دانان یا سیاست‌مداران به آن اشاره می‌کنند و آن هم بحث فرمان هشت ماده‌ای آیت‌الله خمینی است که به نظر می‌آید به دلیل همین نقض‌ها در اجرای قانون و نقض حریم خصوصی افراد صادر شده بود. آیا می‌توان از آن فرمان، چنین تعبیری داشت و امروز هم از آن استفاده کرد؟**

زمان صدور آن فرمان را به یاد دارم و خودم یکی از کسانی بوده که در آن زمانی که در بازداشت بودم و از آن استفاده کردم. این فرمان متعلق به دوره‌ای است که فعالان سیاسی بازداشت می‌شدند. فرمان هشت ماده‌ای به این دلیل صادر شد که در تهران و استان‌ها برخی گروه‌ها دست به مبارزه مسلحانه و ترور می‌زدند. به همین دلیل حتی با افرادی که با این شکل از مبارزه مخالف بودند، برخورد‌های شدیدی صورت می‌گرفت. ورود غیرقانونی به منزل افراد در عمل تبدیل به مساله عادی شده بود. فرمان هشت ماده‌ای در آن دوران برای جلوگیری از این اعمال بود؛ اما متأسفانه در چارچوب این فرمان، قانون خاصی به تصویب نرسید و با وجود تاکید و دقتی که در آن شده بود، روح این فرمان در قوانین بعدی وارد نشد یا نمایندگان مجلس این توانایی را نداشتند یا اساساً به این مساله توجه نکردند.

**• به هر حال تصویب بعضی از قوانین مثلاً در مجلس، معترضانی داشته و بودند کسانی که مخالف این کار بودند.**

ما در کشورمان نقص تحلیل داریم. افرادی که در دوره‌های مختلف در مجلس این حکومت بودند در زمان تصویب قوانینی که حافظ حقوق شهروندی نبوده، اعتراض نکرده‌اند. نماینده‌ای که می‌گوید مدافع این حقوق بوده، آن موقع که در مجلس بود و این قانون‌ها تصویب می‌شد، کجا بود و چرا به آن اعتراض نکرد؟ امروز هیچ‌کس مسوولیتی بر عهده نمی‌گیرد و متوسل به فراهم نبودن شرایط در آن زمان می‌شوند. یا کسانی که رژیم گذشته قاضی یا وکیل و روزنامه‌نگار بودند، هرگز سابقه اعتراض به اقدامات خلاف قانون ساواک و نقض قانون اساسی توسط رژیم سلطنتی نداشته و چاکر و جان نثار و همکار هم بوده، ولی امروز مدعی دفاع از حقوق مردم است، در حالی که در آن زمان هم نقض قانون اساسی و حقوق و آزادی‌های مردم صورت می‌گرفت. اینان تصور می‌کنند ذهنیت تاریخی مردم ضعیف است؛ در حالی که در هر شرایطی باید از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های قانون اساسی استفاده شود و در فعالیت مدنی و دفاع از حقوق مردم، اعتراض و دفاع از حقوق مردم بر محور سفید و سیاه محض نمی‌گذرد. کسانی که خود را مدعی می‌دانند، در زمان مناسب عملکرد صحیح ولو در حد اعتراض نداشتند و حاضر نبودند حتی وکالت یک زندانی سیاسی را به عهده بگیرند؛ به همین جهت صدای حمایت از حقوق تضییع شده مردم طنین لازم پیدا نمی‌کرد. ■

معاونانش در مواردی افراد را سرخود بازداشت و به جاهایی منتقل می‌کردند که افراد مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند که این ضرب و شتم دست کم در مورد سه نفر منجر به مرگ شده است. اگر مواد قانونی رعایت می‌شد، این فجایع اتفاق نمی‌افتاد. متأسفانه در بعضی از اصول قانون اساسی که اجرا مفید به قانون شده است، در حقیقت راه فراری برای نقض قانون و عدم اجرای آن ایجاد شده است. این یکی از نقض‌هایی است که متأسفانه از آن بهره‌برداری منفی می‌شود. چنانکه اصول ۱۶۸ قانون اساسی که مفید به تصویب قانون عادی است به علت عدم تصویب قانون جرم سیاسی در ۳۶ ساله گذشته و یا نحوه آموزش زبان اقوام، همچنان اجرا نشده است.

**• درباره قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی چگونه در آن‌ها موادی هست که بتوان با تکیه بر آن، بر حفظ حریم خصوصی شهروندان، تاکید کرد؟**

متأسفانه در بسیاری از موارد، اجرای این قوانین منجر به نقض حریم خصوصی شده، چنانکه در مورد بازداشت موقت گفتم. سال گذشته مجلس با تصویب کمیسیون اصل ۸۵ قانون اساسی، اجازه داد که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب این کمیسیون برای ۵ سال به صورت آزمایشی اجرا شود. این آیین دادرسی نسبت به قوانین گذشته بهتر بود؛ اما ظاهراً به هر دلیلی قوه قضاییه درخواست کرد اجرای این قانون به پایان خرداد ۱۳۹۴ شمسی موکول شود. شنیده می‌شود که قرار است اصلاحاتی در این قانون انجام شود و ممکن است موادی که به نفع متهم است، حذف شود. در قانون فعلی هر چند اشاره‌هایی به شکل بازرسی از منزل و رعایت مدت زمان بازداشت‌ها شده؛ اما چون محدودیت زمانی تعیین شده با تمسک به عدم تکمیل تحقیقات رعایت نمی‌شود، در عمل این قانون نقض می‌شود و علت آن اختیاری است که قانون‌گذار به قضات و ضابطین داده است. در واقع این امر به مجازاتی تبدیل شده که از جانب قضات تحقیق و ضابطین علیه متهمان اعمال می‌شود؛ مانند قرار بازداشت، ممانعت از حضور وکیل در تحقیقات و نگهداری فرد در زندان به صورت انفرادی که در آن به ظواهر قانونی متوسل می‌شوند و آن را اعمال می‌کنند.

**• طبق قانون آیین دادرسی کیفری، قضات باید بی‌طرف باشند. نمی‌توان با استفاده از این اصل، جلوی چنین مساله‌ای را گرفت؟**

طبق ماده ۳۸ آیین دادرسی کیفری قضات باید با بی‌طرفی عمل کنند یا طبق ماده ۱۲۴ آیین دادرسی کیفری «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد». اما هم در مورد بی‌طرفی و هم در ماده اخیر توضیحی درباره این که دلایل کافی و مستندات چیست، داده نشده است. در بسیاری از موارد ضابطین و قضات تحقیق آن را به ضرر متهم تفسیر کرده‌اند. مثلاً اصل برائت که تحصیل دلیل به عهده شاکی یا دادستان است، رعایت نمی‌شود یا اگر متهم به شکل غیرقانونی از مرز خارج شده باشد، باید ثابت کند که مرتکب اتهامات دیگر مثل جاسوسی و یا ارتباط با گروه‌های محارب با نظام نشده است. می‌پرسیم چگونه می‌گویند من قاضی هستم و با علم خودم می‌گویم و قانون این اجازه را به من داده است. در حقیقت می‌توانیم بگوییم چون قوانین ما بدون تعیین حریم‌های لازم و محدودیت‌ها و مرزها مواردی را به تصویب رسانده، راه سو استفاده یا عدم اجرای آن قوانین برای قضات یا ضابطین قضایی باز است. هم در قانون اساسی و هم در قوانین مصوب مجلس این نقص وجود دارد که ترتیب اجرای بسیاری از اصول را بدون این که حد و مرز آن را مشخص کنند، به تصویب قوانین عادی موکول کرده و در قوانین عادی، رعایت روح قانون اساسی و شرایط زمانی را رعایت نکرده‌اند و این است که در اجرا، هم آزادی‌های مردم و هم حریم خصوصی مورد تعدی قرار می‌گیرد.

**• درباره قوانین عادی، ما قانون حقوق شهروندی را هم داریم که بخش‌نامه رییس وقت قوه قضاییه را نمایندگان مجلس به قانون تبدیل کردند.**

واقعیت این است که آن قانون هر چند به تصویب رسیده و بسیاری از مواد آن در حمایت از حریم خصوصی است؛ ولی عملاً تبدیل به جذامی شده و کمتر کسی حاضر است از کنار این قانون رد شود. این قانون یکی از نادر قوانینی است که مجلس ششم آن را در جهت حقوق شهروند بدون معارض به تصویب رساند. مجلس ششم در آخرین روزهای خود - که همواره با قوه قضاییه در تعارض بود - با بخش‌نامه رییس قوه قضاییه مواجه شد. مجلس از آن شرایط استفاده کرد و بخش‌نامه را به صورت قانون در آورد. من نمی‌گویم این قانون هیچ آثار و نتیجه‌ای نداشته؛ بلکه در بسیاری از موارد هم مقامات طبق این قانون تصمیمات خوبی گرفته‌اند، ولی قانونی همه‌گیر نیست و تنها شامل زندانی‌ها و





## نادیده گرفتن حریم خصوصی از طریق امر به معروف و نهی از منکر



شیدا جهان‌بین

FARS

«ترک واجب» کرده‌اند. امر به معروف و نهی از منکر از نظر شیعیان از فروع دین اسلام است. در تعریف امر به معروف آمده که «دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام آن چه از نظر عقل یا شرع اسلام خوب در نظر گرفته می‌شود» و نهی از منکر بدین گونه تعریف شده که «دستور دادن یا توصیه کردن از سوی فرد مسلمان به دیگران به انجام ندادن آن چه به از نظر عقل یا شرع اسلام بد در نظر گرفته می‌شود». در ماده‌ی هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد امر به معروف و نهی از منکر چنین آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ی ای است همگانی و متفاوت بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون تعیین می‌کند». نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز ۱۶ مهرماه سال جاری کلیات طرح «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» را تصویب کردند. بر اساس این طرح که با ۱۵۶ رای موافق، ۲۳ رای مخالف و ۸ رای ممتنع تصویب شد، هیچ فرد یا نهادی حق ندارد مانع از اجرای امر به معروف شود و کسانی که با آمران به معروف برخورد کنند، سخت‌گیرانه مجازات خواهند شد. در ماده ۱۵ این قانون نیز آمده است که «هرگاه فردی در مقام دفاع از شعائر اسلامی به شرط عدم استفاده از الفاظ رکیک اقدام به امر به معروف و نهی از منکر نماید و به این جهت به او صدمه جسمی و جانی وارد آید، حسب مورد مشمول قوانین و مقررات مربوط به جانبازان و شهدا می‌شود». طی هفته‌ی گذشته، نمایندگان مجلس شیوه احراز شهادت

بحث حریم خصوصی از جمله مباحث حقوق بشر به شمار می‌رود به طوری که این حق در اسناد بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی (قاهره) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی به عنوان یکی از اصول بنیادین تعریف و پذیرفته شده است. در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». در اصل ۱۲ این اعلامیه نیز آمده است که «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامت‌گاه یا مکاتبات هیچ‌کس مداخله‌ای خودسرانه صورت گیرد یا به شرافت و آبرو و شهرت کسی حمله شود. در برابر چنین مداخله‌هایی برخورداری از حمایت قانون، حق هر شخصی است». اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز در ماده ۱۸ خود به حریم خصوصی پرداخته است. در بخش ب این ماده آمده است: «هر فرد حق دارد که در امر زندگی خصوصی خود استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر وی و مخدوش کردن حیثیت وی جایز نیست و باید از وی در مقابل هرگونه دخالت زورگویانه حمایت شود». از طرفی دیگر، عامل «انتخاب» در بحث حریم خصوصی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هر فرد یا گروهی باید در مورد میزان اطلاعاتی که مایل است از خود برای دیگران آشکار کند، اختیار داشته باشد. موضوع امر به معروف و نهی از منکر از جمله مواردی است که با اصل رعایت حریم خصوصی افراد یک جامعه تعارض دارد. امر به معروف و نهی از منکر در اسلام «واجب کفایی» است بدین مفهوم که اگر افرادی - به قدر کفایت - به انجام آن اقدام کنند، از دیگران «ساقط» می‌شود و اگر همه‌ی افراد آن را ترک کرده باشند، چنانچه شرایط آن موجود باشد، همه‌ی آن‌ها

از منکر از جمله موارد نقض حریم خصوصی افراد در ایران است. آیت‌الله مکارم شیرازی چند سال پیش طرح تاسیس «وزارت امر به معروف و نهی از منکر» را پیشنهاد داده بود تا به مسائل اخلاقی در مدارس و دانشگاه‌ها و رسانه‌ها رسیدگی کند. چندی پس از پیشنهاد مکارم شیرازی، سیداحمد خاتمی امام جمعه موقت تهران نیز پیشنهاد تاسیس این وزارت‌خانه را مطرح کرد که به نتیجه نرسید. در پایان دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی لایحه حمایت از حریم خصوصی از سوی دولت به مجلس هفتم ارائه شد، لایحه‌ای که مجلس هیچ‌گاه به بررسی آن نپرداخت؛ چرا که هم نمایندگان مجلس با آن مخالفت کردند و هم دولت جدید در فروردین ۱۳۸۵ اقدام به استرداد آن کرد. لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی دارای ۷ فصل و ۸۳ ماده و با سرفصل‌هایی هم‌چون حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی در محل کار، حریم خصوصی اطلاعات، حریم خصوصی ارتباطات و مسوولیت‌های ناشی از نقض حریم خصوصی بود. در آن لایحه، مجازات نقض‌کنندگان هر یک از موارد حریم خصوصی به شکل جداگانه تشریح شده بود که حبس از سه ماه تا سه سال و انفصال از خدمت از جمله آن مجازات‌ها بود. لایحه‌ی حمایت از حریم خصوصی به استناد اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی و به منظور توجه به حفظ کرامت و استقلال انسان‌ها تنظیم شده و در فصول مختلف این لایحه، کرامت انسان‌ها، حقوق و آزادی‌های ملازم آن مصون از تعرض شناخته شده بود. شاید با تصویب این لایحه به صورت قانون؛ گامی در جهت حفظ آزادی شهروندان و رعایت حریم خصوصی برداشته می‌شد؛ اما نه تنها این لایحه در مجلس بررسی نشد و به صورت قانون درنیامد که سال‌ها بعد با تصویب قانونی با عنوان حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر؛ عرصه‌ی احترام به حریم خصوصی در ایران بیش از پیش تنگ شد.

با جانبازی این افراد و هم‌چنین حبس برای افرادی که به هر نحوی مانع اجرای امر به معروف می‌شوند را تعیین کردند. نمایندگان هم‌چنین با تصویب ماده یازده، قوه قضاییه را مکلف دانستند که به منظور تسریع در رسیدگی به جرایم مربوط به این قانون، شعب ویژه‌ای را اختصاص دهد. تبصره این ماده نیز تصریح می‌کند که آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت‌های قضایی موضوع ماده ۴ قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب یکم دی ماه ۱۳۷۱ مجلس می‌شوند. نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز چهارشنبه ۱۵ بهمن‌ماه و در جریان بررسی طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر موافقت کردند که وزارت کشور می‌تواند برای «سازمان‌های مردم‌نهاد» در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر مجوز صادر کند. این طرح با مخالفت دولت حسن روحانی مواجه شده است. دولت اعلام کرده که تشکیل این ارگان تازه تداخلی در وظایفش است. هم‌زمان با بحث و بررسی طرح حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر در مجلس، رسانه‌های دولتی ایران مقاله‌ها و گزارش‌های متفاوتی در مورد حریم خصوصی و فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر منتشر کرده و عمدتاً آن را ناقض حریم خصوصی ندانسته و «فرمانی دینی برای سعادت بشر» توصیف کردند. موارد مختلفی مثل شنود تماس‌های تلفنی شهروندان؛ بازجویی و پافشاری به اقرار کردن در حین بازجویی؛ ورود غیرقانونی پلیس و نمایندگان ارگان‌های دیگر به منازل مردم برای جمع‌آوری ماهواره‌ها؛ پوشش اجباری زنان؛ محدودیت پوشش برای مردان؛ مسدود کردن وبلاگ‌های شهروندان؛ ضبط کردن کامپیوتر و لوازم شخصی از جمله دفترهای یادداشت و آلبوم‌های عکس در زمان بازداشت شهروندان و از همه مهم‌تر دعوت به امر به معروف و نهی از منکر و تصویب قانون در حمایت از آمران به معروف و ناهیان





گفت‌وگو با علی طایفی

## جامعه و حکومت؛ ناقضان حریم خصوصی



آیدا قجر

دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده است به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است». اما بسیاری از زندانیان طی سال‌های حکومت جمهوری اسلامی بارها عنوان کرده‌اند که از سوی بازجویان مورد «هتک حرمت» قرار گرفته‌اند یا بسیاری از آن‌ها با اتهام‌های اخلاقی مواجه شده‌اند. اتهام‌هایی که اگر هم واقعیت داشته باشد، صرفاً حریم شخصی افراد شناخته می‌شود و ارتباطی نه به حکومت و نه به دیگر افراد دارد. در حالی که شرط موخر بسیاری از اصول قانون اساسی نقض اصل مورد نظر است، اما اصل دیگری هم در قانون اساسی وجود دارد که بسیاری را مجاز به «امر به معروف و نهی از منکر» اشاره کرده است. در یک سال اخیر نیز طرحی برای قانونی شدن به مجلس ارائه شده که آمران به معروف و ناهیان از منکر را مصون نگه می‌دارد. این اصل و چنان قانونی اگر تصویب شود، به این معناست که در تمام امور این آمران و ناهیان حق دخالت و نقض حریم شخصی افراد را دارند و از هر گزندی نیز «مصون» خواهند ماند. علی طایفی معتقد است که قانون اساسی جمهوری اسلامی که با اقتباس از دیگر کشورها به دست آمده، «ملغمه‌ای شتر گاو پلنگی» است که بسیاری از اصول آن اتفاق نمی‌افتد؛ چراکه «از جایی آمده که اجزای نامتجانس را با ساختار و پیکره‌ی حاکمیت قدرت در ایران و فرهنگ ایدئولوژی حاکم بر مبنای قدرت و ساختارهای حکومتی ایران کنار هم قرار داده». وی متناقض بودن قانون اساسی را «مانعی جدی و ساختاری در تبیین مرزهای حقوق فردی یا حوزه‌های خصوصی» می‌داند که البته صرف نظر از حکومت «مردم در جامعه‌ی ما که جامعه‌ای رو به تحول و پویا و پر از تضاد است؛ اولین ناقضان حریم خصوصی هستند». با نگاهی به عمل کرد جمهوری اسلامی نیز می‌توان موارد بسیاری را یافت که نقض حریم خصوصی افراد باشد؛ مانند هجوم به منازل برای جمع کردن ماهواره، کنترل بر محتویات منتشر شده در صفحات شبکه‌های مجازی، برخورد با زندانیان، تعیین نحوه‌ی پوشش، اجباری بودن حجاب، تذکر به زنان و مردان برای آرایش صورت یا موی آن‌ها، حمله به خانه‌های فعالان و روزنامه‌نگاران و تفتیش آن و حتی به همراه بردن وسایل شخصی مانند کامپیوتر و تلفن و موارد بسیاری دیگر. جمهوری اسلامی حتی پا را فراتر از این گذاشته و برای تعداد فرزندان نیز با شعار «افزایش جمعیت» در زندگی شخصی افراد جامعه تعیین تکلیف می‌کند. یا به طور مثال برنامه‌هایی که از تلویزیون‌های ملی پخش می‌شود و به نحوه‌ی آمیزش جنسی زن و شوهر می‌پردازد

حریم خصوصی از جمله مفاهیم دنیای مدرن است که چند سالی است وارد گفتمان ایرانیان شده. البته با تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب ۵۷ اصولی در نظر گرفته شده که می‌تواند تضمین‌کننده‌ی حریم شخصی افراد یا ناقض آن باشد. اصولی که لزوماً به معنای رعایت آن‌ها نه از سوی حکومت و نه از سوی افراد جامعه است. علی طایفی، جامعه‌شناس ساکن سوئد معتقد است که جدای از حکومت، «افراد جامعه اولین ناقضان حریم خصوصی هستند». در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است» و البته مانند بسیاری از دیگر اصول قانونی، شرط موخری برای آن تعیین شده: «مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند». از سوی دیگر اصل ۲۸ درباره‌ی شغل افراد این نکته را افزوده که اگر چه هرکس حق دارد شغلی که بدان مایل است را برگزیند؛ اما نباید «مخالف اسلام» باشد. بدان معنا که افراد اختیار دارند صرفاً در تعریف اسلامی، شغل برگزینند و نه آن‌که آزادانه شغل خود را انتخاب کنند. در این خصوص می‌توان به عملکرد جمهوری اسلامی نیز پرداخت. به عنوان نمونه ایجاد محدودیت در رشته‌های دانشگاهی و تفکیک جنسیتی رشته‌ها باعث شده که این اختیار نه فقط در حوزه‌ی اسلام بلکه در عرصه‌ای تعریف شود که با تغییر دولت ممکن است متفاوت شود. در آخرین اظهار نظرات، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تحصیلات تکمیلی وزارت علوم خبر داده که ۵۰۰ رشته‌ی تحصیلی از کنکور ۹۵ - ۹۶ حذف شده. دلیل این اقدام نبود بازار کار برای فارغ‌التحصیلان عنوان شده، در حالی که حذف این رشته‌ها ادامه‌ی تحصیل بر اساس علاقه و توانایی را بیش از قبل محدود کرده است. یا به طور مثال اصل ۲۳ قانون مرجع ایران، «تفتیش عقاید» را ممنوع کرده و در اصل ۲۵ نیز آمده: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی، تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». این اصل نیز همواره از سوی جمهوری اسلامی زیر پا گذاشته شده، به طوری که افراد بسیاری به دلیل عقیده‌ای که در حوزه‌ی حریم شخصی تعریف می‌شود، مورد بازجویی قرار می‌گیرند. یا به عنوان نمونه، مساله‌ی «شنود» که مختص به ایران نیست و در سطح جهان به دلایل «امنیتی» به شکل علنی اجرا می‌شود، مورد دیگری است که توسط مجریان قانون، نقض می‌شود. در اصل ۳۹ قانون اساسی «هتک حرمت و حیثیت کسانی که به حکم قانون

بزرگان به خود اجازه می‌دهند که هرگونه تصمیمی برای کودکان بگیرند و اگر نظم اجتماعی را نپذیرفتند، مورد تنبیه و مجازات اجتماعی قرار می‌گیرند. در شرایطی که سن یا جنسیت، دین یا خودبرترپنداری وجود دارد، طبیعی‌ست که نابرابری‌های فردی هم در آن رشد پیدا می‌کند و حریم خصوصی نمی‌تواند جایگاه شایسته خود را تعریف کند. از نظر طایفی، حریم خصوصی از منظری دیگر «حریم خشونت‌های خانگی» است. یکی از موارد بحث‌برانگیز در مورد دخالت دولت‌ها در حوزه خصوصی به مواردی برمی‌گردد که «خشونت» در آن اتفاق افتاده باشد. به طور مثال در کشورهای دموکرات به کودکان آموزش داده می‌شود که اگر در خانه مورد خشونت والدین قرار گرفتید، مراکزی وجود دارد که از شما حمایت می‌کند. این مساله

در مورد روابط میان فردی زن و شوهر نیز برقرار است و از سوی دیگر سیستم قضایی بر اساس حقوق بشر و تعهد به کنوانسیون‌های تصویب‌شده قضاوت کرده و «خشونت» را جرم می‌شمارد. اما فقدان قوانین حمایتی از زنان و کودکان و وجود تابوهای اجتماعی از یک سو و حریم شخصی دانستن آن‌ها تحت عنوان «چهار دیواری اختیاری» باعث شده که اشخاص یک خانواده نسبت به این محیط حس مالکیت داشته باشند و از آن جایی که زنان و کودکان را مستقل نمی‌پندارند، رفتارهای خشونت‌آمیز خود را در حوزه خصوصی اعمال کنند. اما آیا می‌توان زنان و کودکان را در حریم



### علی طایفی:

**حقوق فردی را در کسوت حقوق جمعی و در ارتباط متقابل با یکدیگر تعریف می‌کنند در حالی که جامعه‌ی ایران این گونه نیست و حریم خصوصی افراد جامعه هر روز پایمال می‌شود؛ اما این گونه نیست که اگر ما حریم عمومی را قربانی حوزه‌های خصوصی کنیم، دموکراسی رشد می‌کند یا برعکس. هر دوی آن‌ها تنها می‌توانند بستر ساز شوند.**

شخصی مرد تعریف کرد یا به دلیل آن که محیط خانه، حریم شخصی خانواده است، صرفاً به آن احترام گذاشت و اجازه داد که مردان و بزرگسالان علیه کسانی که صاحب قدرت نیستند، اعمال خشونت کنند؟ البته خشونت از سوی زنان علیه مردان نیز اتفاق می‌افتد؛ اما هم به دلیل فرادست بودن مردان، این پدیده میان‌شان کم‌تر است و هم شهادت از سوی قربانیان مرد کم‌تر وجود دارد. علی طایفی درباره‌ی نگرش به کودک

در جامعه‌ی ایران می‌گوید که «اساساً کودک به عنوان صغیری شناخته می‌شود که شعورش نمی‌رسد و توانایی دفاع از خود را ندارد، صاحب فرهنگ اندیشه نیست و خدایگانی در خانه دارد. اما نظریه‌های جامعه‌شناسی کودک، او را به عنوان کنش‌گر اجتماعی تعریف می‌کند که باید هویت فردی خود را خودش تعریف کند و از پدر و مادر تنها کمک می‌گیرد. کودک قرار نیست در فرآیند جامعه‌پذیری آن‌چه را که پدر و مادر، بزرگسالان و حتی سیستم آموزشی ارائه می‌دهد را اعمال کند. این رفتار یعنی تحمیل فرهنگ بزرگسالی به کودکان. نقد اصلی به سیستم‌های آموزشی همین رویکرد کی‌سازی و یکسان‌سازی افراد است. از طرفی دیگر در کشور ما سن‌سالاری از قدیم حاکمیت داشته و احترام پدر و مادر واجب بوده و در نهایت کودکان هیچ حقوقی نداشته‌اند». این جامعه‌شناس در نهایت می‌گوید: «هجوم‌های تعریف‌نشده یا هجوم‌های مبتنی بر قانون اساسی ایدئولوژیک در جامعه ایران از سوی نظامی ایدئولوژیک یا حکومت دینی به حوزه خصوصی که سرشار و مشحون از اندیشه‌های نابرابر و ستم‌گونه است، صورت می‌گیرد. در چنین ساختاری، تهاجم به حریم‌های خصوصی و پایمال کردن بنیان‌ها و هسته‌های اصلی شکل‌گیری دموکراسی، حقوق و جامعه مدنی و حقوق شهروندی اتفاق می‌افتد. نوک حمله‌ی ما به ویژه در جامعه ایران به سمت دولت‌ها و حکومت‌هاست یعنی ساختار و صاحب قدرت؛ در حالی که یکی از وظایف اصلی آن‌ها در نهادهای دموکراتیک دنیای معاصر حمایت از منافع فرد در جامعه است. حقوق فردی را در کسوت حقوق جمعی و در ارتباط متقابل با یکدیگر تعریف می‌کنند در حالی که جامعه‌ی ایران این گونه نیست و حریم خصوصی افراد جامعه هر روز پایمال می‌شود؛ اما این گونه نیست که اگر ما حریم عمومی را قربانی حوزه‌های خصوصی کنیم، دموکراسی رشد می‌کند یا برعکس. هر دوی آن‌ها تنها می‌توانند بستر ساز شوند.» ■

نیز از جمله این موارد است که نهایت آن نقض حریم خصوصی افراد جامعه است. در عین حال طایفی بر این باور است که حکومت جمهوری اسلامی «نه تنها ضامن دفاع از حریم‌های خصوصی و فردی نیست؛ بلکه ناقض اصلی آن و مانند هر ساختار ایدئولوژیک دیگری به دنبال «یکسان‌سازی» افراد است یا به تعبیر «پوتن» این حکومت‌ها به دنبال استانداردسازی انسان هستند. در این ساختارها طبیعی‌ست که حریم‌های فردی تعریف نمی‌شوند و به همین دلیل، همگان بر آن پا می‌گذارند. اما نقض این حریم تنها از سوی حکومت اتفاق نمی‌افتد؛ بلکه افراد جامعه در روابط میان فردی خود نیز حریم‌های شخصی یکدیگر را روزانه نقض می‌کنند. اگر خانواده را کوچک‌ترین نهاد یک جامعه در

نظر بگیریم، حریم شخصی افراد روزانه مورد تعرض قرار می‌گیرد؛ چه بین زن و شوهر و چه از سوی پدران و مادران در قبال فرزندان که نتیجه‌ی آن بازتولید روزانه‌ی نقض حریم شخصی میان افراد خانواده و در نهایت یک جامعه است. طایفی تبیین مرزی مشخص میان حوزه‌های عمومی و خصوصی را امری «دشوار» توصیف می‌کند؛ چراکه «بسیاری از مفاهیم، حقوق و مناسبات تعاریف ما برساخته‌های اجتماعی‌ست که در جامعه شکل می‌گیرد. به طور مثال در تعریف این مفهوم پیوستاری قایل می‌شوند که حریم خصوصی در سطح خویشتن آدم، از خود فرد شروع شده و تا عرصه‌های اجتماعی که حوزه‌ی عمومی

است، پیش می‌رود. یعنی حوزه‌ی عمومی با حوزه‌های مثلاً سیاسی به معنای حوزه‌ی دولت آمیخته نمی‌شود». وی با اشاره به تئوری‌هایی مانند نظریه «هابرماس» تأکید می‌کند که امروزه تمام این نظریه‌ها مورد نقد و چالش است؛ در نتیجه «خصوصاً در ایران که هنوز تفکیک‌های ساختاری در آن رخ نداده، این مرزها مشخص نیست. نهادهای اجتماعی تکالیف، ساختار و وظایف‌شان از یکدیگر و در ارتباط با سایر نهادهای اجتماعی

مانند خانواده، نهاد علم، سیاست، آموزش و حقوق یا دولت تمیز داده نشده». این جامعه‌شناس همچنین به گسترش شبکه‌های اجتماعی در جهان اشاره کرد که «با توجه به فراگیر شدن رسانه‌های مدرن و فضاهای مجازی به نظر می‌رسد که فروپاشی ساختار در درون حوزه‌های خصوصی بیش از پیش رخ می‌دهد و باعث لاغرتر شدن این حوزه می‌شود. به این دلیل که فردیت نیز از بر ساخته‌ها یا ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی متمایز نیست و طرز تلقی و ارزش‌های اجتماعی تا نحوی سلوک فردی و اندیشیدن آدم‌ها دخالت می‌کند. به طور مثال مدیا شیوه‌های اندیشیدن و سبک زندگی، نحوه‌ی پوشش، غذا خوردن و صرف اوقات فراغت، آموزش و رفتار سیاسی، ارزش‌ها و مناسبات ما را تعریف می‌کند یعنی به حوزه‌ی خصوصی ما وارد می‌شود». وی معتقد است از آنجایی که جامعه‌ی ایران از نظر فرهنگی «جمع‌گرا»ست، افراد هویت خود را با جمع تعریف می‌کنند؛ «اگر ساختارهای قبلی عشیرتی و مبتنی با شجره‌ها تعریف می‌شد، امروز مبتنی بر حلقه‌ها یا علقه‌های دیگر است. افراد عموماً برای حیثیت فردی خود و دیگران اهمیتی قایل نیستند». طایفی به جامعه‌ی ایران از زاویه‌ی دیگری نیز پرداخت؛ دیدگاهی که بازتولید ساختار نابرابر جنسیتی‌ست: «در جامعه‌ی ایران فضای عمومی، مردانه و فضای خصوصی، زنانه تعریف می‌شود. بدین معنا که حریم‌های خصوصی، حریم‌های خانگی‌ست که در آن زن نقش اول را ایفا می‌کند. اگر بخواهیم در این جامعه که تفکیک‌های ساختاری رخ نداده، چنین تفکیکی بر حوزه‌ی عمومی و خصوصی داشته باشیم، در واقع خود به خود بازتولید این تفکیک‌های جنسیتی‌ست. مساله این جاست که هنوز در جامعه ایران حقوق روابط جنسیتی و قدرت نابرابر است؛ سن‌سالاری وجود دارد و کودکان ما تحت فشار از سوی بزرگسالان قرار دارند.





علی مهدی

حریم خصوصی در عکاسی،

## قوانین مختلف در فرهنگ‌های متفاوت

تا حد زیادی به فرهنگ هر جامعه بستگی دارد. در بعضی از کشورها بیشتر از سایر جاها مردم به صورت عادی در انظار عمومی می‌ایستند، صحبت می‌کنند و بیشتر هم را در آغوش می‌گیرند. اما قوانین نانوشته عمومی همه جا حاکم است. برسون معتقد بود که در محیط‌های شلوغ و پر ازدحام، مردم کم‌تر به حفظ حریم خصوصی‌شان اهمیت می‌دهند و در نتیجه عکاسی از آنها راحت‌تر است: «در محیط‌های شلوغ مثل نمایشگاه، در میان راه یک کارناوال، در یک اتفاق ورزشی، رژه، کنسرت یا مراسم عمومی؛ نیاز مردم به حریم شخصی و تنهایی کاهش می‌یابد. سطح تحریک احساسات نیز در این گونه وقایع بالاتر است که باعث کاهش احساس نیاز به حریم بیشتر می‌شود. در بیشتر این موقعیت‌ها مردم سرگرم هستند و بنا بر این راحت‌تر با موضوعات مختلف برخورد می‌کنند.»



در گذشته‌ای نه چندان دور، حریم خصوصی افراد در اماکن عمومی تعریفی کاملاً متفاوت با اکنون داشت. برای حفظ حریم خصوصی تنها کافی بود تا قوانینی در منع استفاده از دوربین در مکان‌های عمومی وضع شود تا بدین ترتیب حریم خصوصی هیچ‌کس نقض نشده و تصویر کسی بدون رضایتش ثبت نشود. اکنون و با پیشرفت تکنولوژی، هر کسی که تلفن همراه داشته باشد این امکان بالقوه را دارد تا از هر کسی در هر جایی که خواست عکس‌برداری کند. در سایه این پیشرفت تکنولوژی، چه راه‌کارهایی برای حفظ حریم خصوصی افراد وجود دارد و قانون‌گذاران برای این موضوع چه فکری کرده‌اند؟ این طور به نظر می‌رسد که هر جامعه‌ای مختصات و ویژگی‌های خاص خود را دارد و در موضوع عکاسی از افراد در مکان‌های عمومی راه‌کارها و قوانین متفاوتی وجود دارد. به عنوان مثال در کشوری مثل لبنان با شرایط امنیتی

و حساسی که همیشه بر آن حاکم است، هرگونه استفاده از دوربین یا تلفن‌های همراه برای عکس‌برداری از اماکن عمومی و چهره افراد ممنوع است. این ممنوعیت تنها یک ماده‌ی قانونی نیست، بلکه به فرهنگ عمومی مردم نیز سرایت کرده و اهمیت حریم خصوصی را برای آنها دوچندان کرده، به طوری که اغلب این صحنه در خیابان‌ها دیده می‌شود که مردم به فردی که مشغول عکس‌برداری در فضای عمومی است، اعتراض می‌کنند. هنری کارتیه برسون از پیشگامان عکاسی خیابانی در مورد عکاسی از چهره افراد در اماکن عمومی و حریم خصوصی آنها گفته: «عکاسی خیابانی به معنی وارد شدن در حریم خصوصی معمول مردم است. به همین خاطر مکان‌هایی مانند خیابان‌های شلوغ شهرهای بزرگ، میان راه‌ها، کارناوال‌ها، رژه‌ها و نظایر آن، مکان‌های مناسبی برای این نوع عکاسی هستند. هر چه شلوغی بیشتر باشد، محدوده حریم خصوصی افراد کوچک‌تر می‌شود؛ هر چند حریمی را که فرد برای خودش محفوظ می‌داند و انتظار دارد دیگران رعایت کنند،

ریاست جمهوری محمد خاتمی طرحی موسوم به «حمایت از حریم خصوصی» به مجلس ارائه شد. این طرح شامل ۷ فصل و ۸۳ ماده در نهایت پس از اعمال تغییرات زیادی در دولت محمود احمدی‌نژاد، در سال ۱۳۸۵ در مجلس به تصویب رسید. ماده‌های ۵۱ تا ۵۳ این طرح به موضوع عکاسی از افراد و حفظ حریم خصوصی آنها اختصاص یافته است: ماده ۵۱: فیلمبرداری یا تصویربرداری رسانه‌های همگانی از افراد کمتر از ۱۸ سال و مجانین و انتشار یا پخش آنها بدون اجازه ولی یا قیم آنان ممنوع است. ماده ۵۲ - چنانچه از حوادثی که در اماکن عمومی رخ می‌دهد، فیلمبرداری یا تصویربرداری به عمل آید رسانه مربوط در صورتی می‌تواند رضایت افرادی که از آنها فیلم‌برداری یا تصویربرداری به عمل آمده تصاویر یا اعمال و گفتار آنها را پخش یا منتشر کند که به طور متعارف اطمینان حاصل کند آن موارد کاملاً خارج از حریم خصوصی قرار دارند. ماده ۵۳ - فیلم‌برداری یا تصویربرداری رسانه‌ها از افرادی که

معضلاتی نیز ایجاد کند. اشرافی در این زمینه گفت: «وجود قوانین و تلاش برای رعایت حریم خصوصی تا حدودی خوب است، اما در طول زمان ممکن است محدودیت‌های زیادی برای عکاسی خیابانی و ثبت چهره مردم در شرایط مختلف ایجاد کند. ما به لطف افرادی مثل هنری کارتیسه برسون با فرهنگ و فضای مردم در سال‌های عکاسی او آشنا شدیم اما قوانین مختلف ممکن است باعث شود تا پل حافظه تصویری ما با انسان‌های آینده قطع شود». در عمل اما، تکنولوژی به شکلی در حال پیشرفت است که وضع قوانین مختلف در راستای حفظ حریم خصوصی افراد را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. پس از اینکه شرکت گوگل از عینک‌های هوشمند خود پرده‌برداری کرد، بحث‌های مفصلی در مورد حفظ حریم خصوصی در گرفت. منتقدان بر

این باور هستند که عینک گوگل و فن‌آوری‌های مشابه آن به فرد این امکان را می‌دهند که از افراد مختلف عکس‌برداری کرده و چون دوربینی به شکل کلاسیک آن وجود ندارد، سوژه هیچ‌گاه متوجه نمی‌شود که از او عکس‌برداری شده است. شرکت گوگل اما به نوبه خود با صدور بیانیه‌ای تاکید کرد که حریم خصوصی افراد برایش مهم است و مردم می‌توانند به این شرکت اعتماد کنند و مطمئن باشند که راه‌کارهایی برای حفظ حریم اشخاص در نظر گرفته خواهد شد. در این بین بسیاری معتقد هستند که

چهره افراد مشهور، حریم خصوصی آنها محسوب نمی‌شود و تصویربرداری از آنها وقتی در اماکن عمومی حضور دارند، مشهورترین مانعی ندارد. مشهورترین قربانی این تفکر، پرنسس دایانا همسر سابق ولیعهد بریتانیا بود که به خاطر فرار از دست عکاسان، جان خود را از دست داد. کشورهای مختلف

جهان قوانین متفاوتی را با توجه به فرهنگ عمومی جوامع خود وضع می‌کنند تا حریم خصوصی افراد بیش از پیش حفظ شود؛ اما این طور به نظر می‌رسد که این قوانین با زندگی دیجیتال کنونی هماهنگی ندارد. مریم اشرافی در این زمینه می‌گوید: «با اینکه بسیاری از مردم در مورد عکاسی از چهره خود در اماکن عمومی وسواس دارند و دلشان نمی‌خواهد تصویر آنها بدون رضایت‌شان ثبت شده و مورد استفاده قرار بگیرد، اما همین مردم، تصاویری از خود و زندگی شخصی‌شان را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند، بدون اینکه بدانند این تصاویر را افراد دیگری که هیچ شناختی از آنها ندارند نیز می‌توانند مورد استفاده قرار دهند.» ■

در یک جمع یا اجتماع خصوصی حضور دارند بدون رضایت آن افراد ممنوع است. رسانه‌های همگانی می‌توانند از افرادی که در یک جمع یا اجتماع عمومی شرکت دارند بدون رضایت قبلی آن‌ها فیلم‌برداری یا تصویربرداری کنند مگر این که: ۱- فرد خاصی صریحاً مخالفت خود را با این عمل اعلام کرده باشد یا حضور آن فرد در جمع یا اجتماع به گونه‌ای باشد که انتظار متعارف داشته باشد تصویر وی در آن جمع یا اجتماع بدون رضایتش منتشر یا پخش نشود. ۲- هویت صاحب تصویر با ذکر نام یا مشخصات او معرفی شده باشد یا حضور وی در آن تصویر به نحوی برجسته شده باشد که وی را عمداً به دیگران معرفی کند. فرانسه از کشورهای اروپایی پیشگام در زمینه عکاسی خیابانی است. لویی داگر عکاس فرانسوی، تصویری را در



سال ۱۸۳۸ از بلوار تمپل پاریس ثبت کرده که بعدها به عنوان نخستین عکس تاریخ بشر شناخته شد که انسان در آن وجود دارد. با این حال، حتی در کشوری مثل فرانسه، قوانین در گذر زمان تغییر کرده و محدودیت‌های زیادی برای عکس‌برداری از چهره افراد در اماکن عمومی وضع شده است. در مقدمه ماده ۹ از قانون حقوق شهروندی فرانسه آمده که «حوزه خصوصی افراد و آزادی بیان مرز باریکی دارند و هرگونه عکس یا نقاشی از چهره افراد جزو حقوق فردی آنها محسوب می‌شود». مریم اشرافی عکاس ساکن پاریس

در گفت‌وگو با حقوق ما بر این نکته تاکید می‌کند که هر چه قوانین وضع شده سفت و سخت‌تر باشد، باعث محدودیت بیشتر در عکاسی خیابانی می‌شود. وی گفت: «فرانسه برخی

### مریم اشرافی:

**«وجود قوانین و تلاش برای رعایت حریم خصوصی تا حدودی خوب است، اما در طول زمان ممکن است محدودیت‌های زیادی برای عکاسی خیابانی و ثبت چهره مردم در شرایط مختلف ایجاد کند. ما به لطف افرادی مثل هنری کارتیسه برسون با فرهنگ و فضای مردم در سال‌های عکاسی او آشنا شدیم اما قوانین مختلف ممکن است باعث شود تا پل حافظه تصویری ما با انسان‌های آینده قطع شود.»**

از پدران عکاسی خیابانی را به دنیا معرفی کرده که تاثیر شگرفی بر تاریخ عکاسی گذاشته‌اند، اما وضع قوانین مختلف ظرف ۲۵ سال گذشته تغییراتی را در شیوه عکاسی خیابانی ایجاد کرده که غیر قابل کتمان است». به گفته اشرافی «با اینکه قوانین مربوط به رعایت حریم خصوصی در کشوری مثل فرانسه بسیار جدی و سخت است؛ ولی در مقایسه، انگلستان قوانین راحت‌تری دارد و همین راحتی بیشتر باعث شده تا عکاسی مثل مارتین پیر، مردم و زندگی روزمره آنها را سوژه اصلی عکس‌های خود قرار دهد». وضع قوانین مختلف هر چند حریم خصوصی افراد را بیش از گذشته حفظ می‌کند، اما عملاً در درازمدت ممکن است

## محمد حسن یوسف پورسیفی علی‌رغم گواهی عدم تحمل کیفر همچنان در زندان اوین است



محمد حسن یوسف پورسیفی زندانی عقیدتی علی‌رغم گواهی عدم تحمل کیفر همچنان در زندان اوین به سر می‌برد. وی نیاز فوری به مداوی اختلال در شبکیه چشم‌هایش دارد که تاکنون باعث از بین رفتن ۸۰ درصد بینایی او شده است؛ اما به دلایل نامشخص تاکنون او را به بیمارستان منتقل نکرده‌اند. به گزارش کمپین بین‌المللی حقوق بشر، سازمان پزشکی قانونی گواهی «عدم تحمل کیفر» او را تایید کرده؛ اما پورسیفی به دلایل نامشخصی آزاد نشده است.

محمد حسن یوسف پورسیفی، مجری و تهیه کننده برنامه‌های رادیویی و عضو جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در سال ۱۳۸۸ دستگیر و پس از مدتی آزاد شد. او در سال ۱۳۸۹ نیز به بهانه ارتباطش با مجموعه فعالان حقوق بشر از صدا و سیما اخراج شد. او در آن زمان تهیه کننده ارشد برنامه رادیو تجارت بود. آقای پورسیفی در سال ۱۳۹۰ در دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی به اتهامات اجتماع و تبانی به قصد اختلال در امنیت ملی، تبلیغ علیه نظام و توهین به مقدسات از طریق عضویت و همکاری «در تشکیلات غیر قانونی موسوم به مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران» به ۵ سال و شش ماه حبس محکوم شد. پورسیفی در تاریخ ۱۸ شهریور ماه ۱۳۹۱ برای اجرای حکمش به زندان اوین منتقل شد.

## محکومیت منوچهر خلوصی، شهروند بهایی به شش سال زندان



حکم دادگاه بدوی برای منوچهر خلوصی به اتهام اقدام علیه امنیت داخلی کشور و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به وکیل وی در دی ماه ۱۳۹۳ ابلاغ شده است. یک منبع مطلع به هرانا گفت: «دادگاه شعبه سوم انقلاب مشهد با فشار و دخالت اداره اطلاعات در تمامی مراحل رسیدگی قضایی، وی را به اشد مجازات اتهامات مزبور محکوم کرده است». بیش از یک سال قبل، صبح روز جمعه هشتم آذر ۹۲ مأموران اداره

اطلاعات مشهد به منزل منوچهر خلوصی وارد شده و وی بازداشت کردند. او مدت ۵۸ روز در درسلول انفرادی بازداشتگاه اطلاعات و ۴ روز را در زندان وکیل‌آباد مشهد گذراند و سپس با وثیقه ۳۰۰ میلیون تومان آزاد شد. دو دختر منوچهر خلوصی به نام‌های نیکا و نوا خلوصی به اتهامات مشابه، به شش و چهار سال و نیم حبس تعزیری محکوم و اکنون در بند ۵ نسوان زندان وکیل‌آباد مشهد زندانی هستند. منوچهر خلوصی پس از انقلاب برای ششمین بار است که به علت اعتقادات خود بازداشت و محاکمه می‌گردد. وی در سال ۱۳۷۸ به اعدام محکوم شد؛ اما حکم صادره در مراحل بعدی رسیدگی قضایی نقض شد.

## نامه سامان نسیم، زندانی گرد محکوم به اعدام از زندان:

### شکنجه شدم؛ فیلم اعترافات تحت فشار بود

سامان نسیم در بخش دیگری از نامه خود نوشته است: «شب‌ها که می‌خواستیم بخوابیم با ایجاد سر و صدا با وسایل مختلف از جمله کوبیدن در نمی‌گذاشتند استراحت بنماییم. در حالی ما بین جنون و هوشیاری بودم، تمام این ۹۷ روز بدین شیوه سپری شد. این در حالی بود که در زمان دستگیری‌ام ۱۷ سال سن داشتم. این زندانی کرد محکوم به اعدام ادامه داده است: «در طول این مدت نتوانستم با خانواده‌ام هیچ‌گونه تماسی داشته باشم. تحت فشار و شکنجه در حرکتی کاملاً غیرانسانی با چشم بسته و در وضعیتی مابین مرگ و هستی اقدام به ضبط بازجویی‌هایم کردند که اعلام می‌دارم این فیلم‌برداری و مصاحبه کذب محض است و این مصاحبه را به شدت تکذیب می‌کنم. بعداً در کانال شبکه یک خبری منتشر شد که گویا من آزاد شده و به خانه بازگشته‌ام. این در حالی بود که من با سناریوی از پیش طراحی شده، حکم اعدام برایم صادر شده بود. دفاعیات و دادرسی‌ام در دادگاه کاملاً امنیتی و صوری بود؛ چرا که وکلایم حق دفاع نداشتند و خودم نیز امکان کوچک‌ترین دفاعی نداشتیم. حتی قاضی پرونده در جلسه دادگاه من را چندین نوبت تهدید به ضرب و شتم کرد و وکلایم با فشارهای امنیتی عزل شدند و با نگاهی و بینشی کاملاً شونیستی و غیرانسانی به اعدام محکوم شدم». سامان نسیم در انتها نوشته است: «در یک نوبت دادگاهی شدم که تغییری در سناریوی از پیش تعیین شده، نداشت. بعد از ابلاغ حکم در تاریخ ۲۸ بهمن ۹۱ از مهیاد با تدابیر شدید امنیتی با توهین و بدرفتاری مأموران بدرقه به زندان مرکزی ارومیه منتقل شدم و حکم اعدام صادر شده از سوی دادگاه انقلاب مهیاد نیز بعد از دو سال از سوی دیوان عالی کشور تایید گردید. نتیجه درخواست اعاده دادرسی اینجانب هنوز نامعلوم است و به دلیل قطعی بودن حکم، هر لحظه احتمال اجرای حکم من وجود دارد».



سامان نسیم، زندانی کرد محکوم به اعدام که به گفته مسولان زندان مرکزی ارومیه قرار است حکم اعدامش در روز ۳۰ بهمن ماه اجرا شود، برای اولین بار با انتشار نامه‌ای در داخل زندان، از وضعیت دوران بازداشت و شکنجه‌هایش برای گرفتن اعترافات ساختگی نوشته است. این نامه توسط کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران منتشر شد. این زندانی کرد نامه خود را این‌طور شروع کرده است: «شکنجه به محض ورود به سلول شروع شد. سلولی با دیوارهای اغشته به مواد خاص و طراحی آن منحصر برای شکنجه روانی تدارک گردیده است. با نگاهی به مصالح به کار رفته در داخل

سلول، مفاهیم و مضامین شکنجه همچون فیلمی در خاطر ت مرور می‌گردد. اتاقکی که فقط به صورت افقی می‌توانی در آن دراز بکشی همراه با سرویس بهداشتی که دیوار اوپنی باز و ارتفاع شصت سانتی. متر از سلول با طول دو متر و عرض پنجاه سانتی‌متر. همه چیز متفاوت است. دوربینی در بالای سرم بود که تمامی حرکاتم را ضبط می‌کرد؛ حتی زمان توالت را». او در ادامه نوشته است: «این آغازی بود برای ۹۷ روز شکنجه و عذاب در تمام مدتی که در بازداشت بودم به هر شیوه و با هر وسیله‌ای شکنجه گردیدم. روزهای ابتدایی میزان شکنجه‌ها به حدی بود که توان راه رفتن نداشتیم. تمام اعضای بدنم سیاه و کبود شده بود. برای ساعاتی از دست‌ها و پاهایم آویزانم کردند. در تمام مدت زمان بازداشت، بازجویی و شکنجه؛ چشم‌بندی بر روی چشمانم بود که امکان رویت مأموران شکنجه و بازجو برایم میسر نبود. تمام روش‌های غیر انسانی و غیرقانونی را برای گرفتن اعتراف از من به کار گرفته شد. بارها به من گفتند که اعضای خانواده‌ات شامل پدر و مادر و برادر را دستگیر کرده‌اند. به من می‌گفتند که تو را هم مانند رفقای با لودر خاک می‌کنیم. می‌گفتند همین‌جا می‌کشیمت و روی قبرت بتون می‌ریزیم».



## بازداشت ۱۷ تن از شهروندان بهایی در تهران و اصفهان با یورش نیروهای امنیتی

در ادامه به دادسرای ورامین ارسال خواهد شد. همچنین شب ۲۸ بهمن ماه نیروهای امنیتی در شهر اصفهان با هجوم به منازل آقایان کاویان دهقان، هوشنگ رحیمی و پیمان عاطفی ضمن تفتیش منازل و ضبط کامپیوتر، موبایل و کتاب ها اقدام به بازداشت ۱۲ تن از این افراد کرده اند و تا این لحظه از محل نگهداری آنان اطلاعی در دست نیست. اسامی بازداشت شدگان روز ۲۷ و ۲۸ بهمن ماه به شرح ذیل است: خانم ها الهام کرم پیشه، مونا محرابی و اکبری و آقایان صفا فرقانی و مهرداد فرقانی در شهر تهران و خانم ها نیکار رجیبی، مونا اقدسی، شیوا اغصانی و نگار سبحانیان و آقایان کاویدن دهقان، عارف دهقان، شایان کوثر، پیمان عاطفی، کوشا رحیمی و هوشنگ رحیمی در شهر اصفهان بازداشت شده اند.



ماموران امنیتی طی یک یورش کم سابقه به منازل شهروندان بهایی در شهر تهران و اصفهان پس از تفتیش منازل، اقدام به دستگیری ۱۷ تن از این افراد کردند. در طی روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن ماه ماموران امنیتی در شهر تهران با هجوم به منزل ساسان یادگار، احسان یادگار، ارغوان اشراقی و مهرداد فرقانی ضمن تفتیش منزل تمامی کتابها، هارد کامپیوتر، موبایل و تبلتها را ضبط کرده و با حکم قبلی اقدام به بازداشت ۵ تن از این شهروندان بهایی در شهر تهران کرده اند. خانم ارغوان اشراقی به علت عدم حضور در منزل با توجه به اینکه حکم بازداشت وی را نیز داشته اند بازداشت نشده است. گفته می شود بر اساس اظهارات نیروهای امنیتی همگی بازداشت شدگان در شهر تهران به دادسرای ۳۳ اوین (شهید مقدس) منتقل شده اند و پرونده آنها

نامه نهاد صنفی کارگران ساختمانی به ۲ وزیر:

### لااقل با دیدن جنازه ۸ کارگر احساس مسئولیت کنید



کانون انجمن های صنفی کارگران ساختمانی کشور در واکنش به حادثه کشته شدن هشت کارگر ساختمانی که روز سه شنبه (۲۸ بهمن) بر اثر سقوط آسانسور یک مجتمع مسکونی در حال سخت در اصفهان کشته شدند، با انتشار نامه شدیدالحنی خطاب به وزاری کشور و راه و شهرسازی، بالارفتن آمار کشته شدگان در بین کارگران ساختمانی را ناشی از بی توجهی مسئولین به وضعیت کارگران ساختمانی دانسته است. به گزارش خبرنگار ایلنا، در بخش هایی از این نامه آمده است «آقایان وزیر آیا چشمتان به جنازه کارگران ساختمانی کشته شده در کارگاه ساختمانی اصفهان خورده است؟ فقط با نگاهی به رسانه های اینترنتی می توانید این جنازه ها را ببینید. شاید کمی احساس مسئولیت کنید.» کانون انجمن های صنفی ساختمانی کشور در ادامه این بیانیه، زندگی دو میلیون کارگر ساختمانی را از سوی مسئولین بی اهمیت خوانده و ضمن خطاب قرار دادن این دو وزیر گفته است: متأسفانه متولیان اصلی ساخت و ساز کشور (شهرداری ها، ادارات راه و شهرسازی و سازمان های نظام مهندسی) اهمیتی به زندگی ۲ میلیون کارگر ساختمانی - این مجریان اصلی ساخت و ساز کشور - نمی دهند، این در حالیست که در پیشرفته ترین کشورهای دنیا اهمیت و توجه به نیروی انسانی در زمره الویت های توسعه قرار دارند. شکل صنفی کارگران ساختمانی همچنین با طرح این پرسش که «تاکنون برای کاهش بیش از ۱۵۰۰۰ حادثه کار در بخش ساختمانی در سال ۹۲، چه چاره ای اندیشیده اید؟» به کشته شدن بیش از ۱۰۰۰ کارگر در سال ۹۲ اشاره کرده و از دولت خواست نسبت به کاهش خطراتی که در نتیجه عدم رعایت نکات ایمنی جان کارگران ساختمانی را تهدید می کند چاره ای بیاندیشند.

### وخامت حال جسمانی آتنا فرقدانی در پی اعتصاب غذا



طبق اطلاعات رسیده از زندان قرچک، چنانچه به وضعیت و خواسته های آتنا فرقدانی هنرمند زندانی رسیدگی نشود و اعتصابش را نشکنند، در روزهای آینده خطر کما رفتن این فعال مدنی زندانی بسیار بالا است. به گزارش جرس، علت این که خطر به کما رفتن آتنا وجود دارد این است که در اعتصاب غذای تر معمول آن است که زندانیان اعتصاب تر به روش ایرلندی می کنند که در این روش به جز آب، زندانی روزی ۹ تا ۱۵ حبه قند می خورد و همچنین مقداری نمک. بدون خوردن نمک و قند، مغز و کلیه خیلی سریع آسیب می بیند. آتنا فرقدانی از خوردن نمک و قند هم خودداری می کند و هر چقدر هم دوستانش به او اصرار کرده اند که هر روز کمی نمک و چند قند بخورد قبول نکرده است و این موضوع بسیار وضعیتش را نگران کننده می کند، به خصوص که از دیروز یعنی روز پنجم از اعتصاب غذا دیگر توان راه رفتن و نشستن را نیز از دست داده است.





## دو هفته نامه الکترونیک تخصصی حقوق بشر

### صاحب امتیاز و مدیر مسئول

سازمان حقوق بشر ایران

محمود امیری مقدم

سر دبیر

مدیار سعید بژاد

تحریریه

علی مهدی، شیدا جهان بین، آیدا قجر

ویراستار

علی مهدی

صفحه بندی

زهرا علی پور

طرح جلد

نوشین ارشادی

تعاس با مجله

[journal@iranhr.net](mailto:journal@iranhr.net)

«حقوق ما» در ویرایش مطالب آزاد است